

تأثیر قرآن و حدیث بر دیوان اشعار فیض کاشانی

زهرا حسینی^۱

دکتر سید مصطفی احمدزاده^۲

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر اشعار فیض کاشانی پرداخته و ضمن اشاره‌ای گذرا بر فضای سیاسی-اجتماعی عصر شاعر، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات دوره صفویه مورد بررسی قرار گرفته و آثار منظوم فیض کاشانی گزارش شده و در ادامه به تحلیل محتوایی اشعار فیض کاشانی به لحاظ بهره‌گیری ایشان از قرآن کریم و روایات توجه شده است. اثرپذیری واژگانی، اثرپذیری گزاره‌ای، اثرپذیری گزارشی، اثرپذیری الهامی-بنیادی، اثرپذیری تلمیحی، اثرپذیری تأویلی، اثرپذیری تطبیقی، اثرپذیری ساختاری-سبکی و اثرپذیری چندسویه از جمله شیوه‌هایی است که فیض کاشانی در اشعار خویش از قرآن کریم و روایات معصومین-علیهم السلام-سود جسته است. فیض کاشانی در اشعار خویش سعی نموده عبادات و عقاید اسلامی را به سبکی ساده و روان برای عموم مردم تبیین و تبلیغ نماید. وی، در اشعارش، بیشتر از احادیث اخلاقی و به ویژه احادیث مربوط به غیبت، تهمت و سوءظن به مسلمین استفاده کرده که طرز تفکر فیض کاشانی را آشکار می‌سازد.

واژگان کلیدی: شعر، فیض کاشانی، تأثیر قرآن و روایات، انواع اثرپذیری.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مشهد.

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی Mostafa.ahmadzadeh@gmail.com

بررسی اندیشه‌های شاعران از زوایای گوناگون قابل توجه است. در این میان، منابعی که شاعران درونمایه شعر خود را از آن جا گرفته‌اند؛ اهمیت کلیدی در بازشناسی آبخور اندیشه‌های آنان دارد. با توجه به ورود اسلام به ایران و تأثیر تعالیم و آموزه‌های دینی بر ذهن و ضمیر شاعران، بررسی میزان تأثیر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به عنوان دو منبع حیاتی در شعر شاعران از نقشی برجسته برخوردار است. حال اگر شاعری که خود مفسر قرآن کریم و محدثی آگاه و فقیهی زبردست در معارف قرآنی و حدیثی باشد، بررسی تأثیر قرآن کریم و احادیث بر شعر وی، حال و هوایی متفاوت پیدا می‌کند. فیض کاشانی (۱۰۹۱-۱۰۰۷.ه.ش) مفسر، محدث، فقیه و متکلم بزرگ شیعه در قرن یازدهم است که آثار شعری فراوان از خود بر جای گذاشته است. پرداختن به میزان برخورداردی دیدگاه‌های فیض کاشانی از آموزه‌ها و معارف قرآن کریم و احادیث گهربار معصومین (ع) در تفسیر و تحلیل آثار فیض کاشانی نقشی به‌سزا دارد. دیوان اشعار فیض از جمله دیوانهای شعر است که ارتباط آن با قرآن کریم بسیار گسترده است. در این دیوان، از یک سو ظاهر کلمات و ترکیبات آیات قرآن کریم و روایات مورد توجه قرار گرفته و از سوی دیگر، در متن شعرهای دیوان، آیات و روایات به نحو تضمین، اقتباس و تلمیح گنجانده شده است. جایگاه ویژه فیض کاشانی و ارتباط دیوان اشعار او با قرآن و روایات این سئوالات را به ذهن متبادر می‌سازد که بهره‌گیری مستقیم و غیر مستقیم او از قرآن کریم به چه میزانی است؟ انواع بهره‌گیری از قرآن کریم و روایات مانند: اقتباس، تلمیح، ترجمه و جز آن در این دیوان وی تا چه حدی است؟ از چه آیات و روایاتی در اشعار خود سود جسته است؟

۱- روش‌شناسی

روش این مقاله به لحاظ نوع تحقیق، روش تحلیلی است. بر این اساس، نخست دیوان فیض کاشانی (جلد نخست) مورد بررسی قرار گرفت و هر بیت و مصرعی که در آن به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به آیات و روایات اشاره شده بود، جمع‌آوری و بر اساس قواعد ادبی، دسته‌بندی شد. به دیگر سخن، در این روش، یک بار در اشعار دیوان «انتخاب» صورت گرفت و در مرتبه بعد، اشعار انتخاب شده در کنار یکدیگر و در دسته‌های خاص ادبی قرار گرفتند (ترکیب). حاصل این

رفت و برگشت، تحلیل‌هایی است که در قسمت نتایج گزارش خواهد شد.^۱ نیز لازم به ذکر است این پژوهش، به لحاظ گردآوری داده‌ها، از روش کتابخانه‌ای استفاده کرده است.

۲- شخصیت‌شناسی فیض کاشانی

بر اساس آن چه خود فیض در کتاب «رساله شرح صدر» نگاشته است، وی محمد بن مرتضی بن محمود مشهور به- ملّامحسن فیض کاشانی- از علمای بزرگ عصر صفوی است که در سال ۱۰۰۷ ه. ق. در کاشان و در خانواده‌ای دانشمند چشم به جهان گشود. پدرش شاه مرتضی از علمای متنفذ و سرشناس بود. برادرش نورالدین کاشانی هم از علمای اخباری^۲ و مؤلف کتاب «مصفاة الاشباح» در اخلاق و عجایب آفاق می‌باشد. (خوانساری، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ص ۷۴/ ناجی نصرآبادی، ۱۳۸۷ش: ج ۲۰، ص ۲۰) برادر دیگرش ملّا عبدالغفور مردی فقیه بوده و فرزندش محمد مؤمن مدرّس مدرسه اشرف مازندران (بهشهر) همگی از مردان علم و فضیلت و رجال نامی زمان خویش می‌باشند» (ناجی نصرآبادی و دیگران، همان: ج ۲۰، ص ۲۲).

از جمله مهم‌ترین استادان فیض کاشانی، صدرالدین شیرازی، شیخ بهایی و سید ماجد بحرانی است و از میان شاگردان ایشان می‌توان به فرزند ایشان علم الهدی و علامه محمدباقر مجلسی اشاره نمود. وفات ایشان براساس آن چه در بیشتر کتب رجال و تاریخ، بیان شده در سال ۱۰۹۱ ه. ق. واقع گردیده است لذا می‌توان مدت عمر او را حدود ۸۴ یا ۸۵ سال دانست.

۳- عقاید و افکار فیض کاشانی^۳

به دلیل آن که فیض کاشانی در بسیاری از علوم زمان خود متبحر و استاد بوده، بررسی عقاید وی از جنبه‌های گوناگون اهمیت می‌یابد که در زیر به صورت مختصر گزارش می‌شود:

۱-۳: روش فقه‌پژوهی

فیض کاشانی در عقاید مذهبی و فروع و احکام فقهی پیرو و هم مشرب با اساتید و بیشتر علما معاصر خود بوده است. به این معنی که با طایفه اصولیان مخالفت می‌ورزیده و خود ایشان نیز، از اخباریان [میانه‌رو] بوده است (رحیمی، ۱۳۹۲ش: ص ۴۰۰؛ فیض کاشانی، همان: ص ۶-۷/ مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸ش: ص ۵۷)

۳-۲: روش فلسفی

مبنا و مشرب فلسفی او موافق با مشرب پدرزن و استادش ملاصدرا است و در اعتقاد به اصالت وجود و وحدت وجود و برخی آرای فلسفی دیگر از او پیروی نموده است (فیض کاشانی، همان: ص ۵).

۳-۳: روش اخلاقی و عرفانی

نظر به این که روش فیض به پیروی از ملاصدرا، برپایه اشراق گذارده شده و کاملاً نقطهٔ مقابل فلسفهٔ مشاء بوده است؛ بنابراین وی اهمیتی زیاد به مقامات عرفانی داده و توجه شدیدی نسبت به مراتب سلوک داشته است (فیض کاشانی، ۱۳۷۳ش: ص ۵).

۴- ویژگیهای آثار فیض کاشانی

باتوجه به گزارش رسیده می‌توان ایشان را صاحب ۱۲۰ (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴ش: ج ۳-۴، ص ۳۷۴-۳۷۸) و تا حدود ۲۰۰ تألیف دانست (موسوی خوانساری، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ص ۸۱) علت فراوانی این آثار، دانایی فیض کاشانی در شاخه‌های متنوع علوم اسلامی می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی آثار فیض کاشانی، دریافت مفاهیم و مباحث از قرآن کریم، رسول اکرم (ص) و اهل بیت (ع) است. یکی دیگر از ویژگیهای آثار فیض کاشانی، توجه به مخاطبان در سطوح مختلف است. وی متناسب با هر سطحی، علوم و معارف اسلامی را مطرح می‌نماید. مثلاً در ساحت اخلاق، «محجّه البیضاء» را برای مخاطبان سطح عالی نوشته و همان کتاب را در سطحی ساده‌تر با نام «کتاب الحقایق» برای طبقهٔ متوسط نوشته است (ناجی نصرآبادی و دیگران، همان: ص ۶۲۴).

ویژگی دیگر آثار فیض کاشانی، فارسی‌سازی معارف اسلامی است. هر چند وی همانند اکثر عالمان عصر خویش آثار خود را به زبان عربی نگاشته؛ اما آثار فارسی او نشانگر نقش مهم این دانشمند ایرانی در نهضت فارسی‌سازی معارف اسلامی در دورهٔ صفویه است. آفرینش بیست هزار بیت شعر به زبان فارسی که در بردارندهٔ مضامین عرفانی و کلامی است و نوشتن رساله‌های فارسی^۴ توسط فیض کاشانی، گامی مهم در توسعهٔ فرهنگ اسلامی در جامعهٔ صفوی به‌شمار می‌رود (همان: ص ۶۲۵).

۵- فضای سیاسی و فرهنگی عصر فیض کاشانی

در مجموع می‌توان گفت، فیض در خانواده‌ای دانشمند و در فضای سیاسی عصر صفویه متولد گشته است که به علم و دانش، مخصوصاً مذهب بسیار توجه می‌شده؛ از این رو، این دو عامل سبب گشته تا فیض نیز از جریان علم و دانش جدا نگشته بلکه در این زمینه استعدادهای خود را به ظهور و بروز برساند.

از سوی دیگر، در میان خاندان فیض، شعر و شاعری رواج داشته و یک هنر محسوب می‌گردیده است. این ویژگی در بیان آموزه‌های عرفانی و مدح امامان (ع) در قالب شعر به اوج خود رسیده است. فیض نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مثنویهای فراوان از خود به یادگار نهاده است. هرچند او را یک شاعر حرفه‌ای نباید به حساب آورد.

۶- درآمدی بر تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی

اثرپذیری از قرآن و حدیث در ادبیات فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد. شاعران، قرآن کریم را به عنوان برترین الگوی ادبی، نصب العین خویش ساختند و بر روش آن، به سرودن شعر پرداختند. از شیوه‌ها و روشهای بلاغی آن الگوبرداری می‌کردند و از نمونه‌های فصاحت آن در اشعار خویش بهره می‌جستند. گاه با استشهاد به آیات و روایات، سخن خویش را انسجام و استحکام می‌بخشیدند و گاه با تضمین آیات و روایات بر ارزش سخنان خود می‌افزودند.

شاعران و نویسندگان در استفاده از قرآن و حدیث، اهداف بی‌شماری داشته‌اند که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: تیمن و تبرک، تمسک و استشهاد، حکمت و پند، بیان اعتقادات، هشدار و انذار، تشویق و تهییج و نشانه‌های رمزی (راشد محصل، ۱۳۸۹ش: ص ۵۵-۷۲).

۷- تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات دوره صفویه

در دوره پیش از صفویه تجلی قرآن و حدیث را در کتابهایی بزرگ چون سیاست‌نامه، قابوس‌نامه، تاریخ مسعودی، کیمیای سعادت، کلّیله و دمنه، اخلاق ناصری، فیه ما فیه، گلستان و اخلاق الاشراف به وفور می‌توان دید. میزان استفاده از قرآن در این دوره به قدری فراوان است که کتاب بزرگ مثنوی معنوی مولوی را با نام قرآن عجم می‌شناخته‌اند.

در دوران صفویه، شاهان صفوی برای شاعران مدیحه‌سرا ارزش کمی قایل بودند و خواسته شده بود تا شاعران مدیحه‌سرا می‌خواستند به جای مداحی خود آنان به مدح امامان (ع) بپردازند و این موضوع باعث کم شدن شاعران این دوره شده بود و در نتیجه شاعرانی که بیشتر به مسائل مادی می‌اندیشیدند و توان مهاجرت داشتند، رهسپار دهلی گشتند. در عوض انگیزهٔ سرودن اشعار مذهبی در ذکر کرامات و مصایب امامان (ع) در ایران آن روز بسیار قابل توجه بود. محتشم کاشانی از جمله شاعرانی است که در آن دوره به سرودن این گونه اشعار روی آورد. از طرف دیگر کسب احترام روزافزون عالمان دینی و برخورداري آنان از رفاه فراوان نه تنها موجب غلبه و نفوذ اجتماعی آنها گردید بلکه در طبقات جوان که دنبال سوادآموزی و کسب دانش بودند، شوقی وافر به فراگرفتن دانشهای مذهبی و درآمدن در صفت عالمان دین پدید آورد (صفا، ۱۳۶۲ش: ص ۱۷۲-۱۷۱).

نتیجهٔ این امر، فراوانی میزان آیات قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) در شعر شاعران این دوره محسوب می‌گردد. البته شاعران حرفه‌ای به دربار سلاطین عثمانی و هند پیوسته بودند و تنها شمار کمی از شاعران باقی مانده بودند. علاوه بر این شاعران، تعداد زیادی از عالمان مذهبی نیز در این دوره به سرودن شعر پرداخته اند که چون در قرآن و احادیث شیعه تبخّری کامل داشتند؛ استفاده از قرآن و مخصوصاً احادیث شیعه در اشعارشان به وفور یافت می‌شود. زیرا آنها از شعر به عنوان وسیله‌ای در نشر اعتقادات دینی و البته دفاع از شیعه و امامان معصوم (ع) استفاده می‌نمودند.

۸- تحلیل آثار شعری فیض کاشانی

فیض کاشانی علاوه بر امور درس، فقه و دانش همچون استادان خویش به شعر و شاعری نیز اهمیت داده و برای بیان اعتقادات خویش گاه از زبان خشک علم فراتر رفته و دست به دامان غزلیات خود گشته است. در بیان شعر، بیشتر به مولانا جلال الدین محمد بلخی (۶۵۲-۵۸۶ ه. ش.) و شمس الدین حافظ شیرازی (۷۶۹-۷۰۶ ه. ش.) توجه داشته است؛ به جهت آن که آنان نیز هم-چون خود او عالم و شاعر، فقیه و قاری، محدث و زاهد بوده‌اند و هردوی اینها همچون فیض در سطح عالی علوم عقلی و شرعی قرار داشتند و قبل از اینکه شاعر باشند دانشمند و تحصیل کرده بودند. به همین خاطر از جمله آثار فیض، «منتخب مثنوی» و «منتخب غزلیات حافظ شیرازی» است «(ناجی نصرآبادی و نقیبی، همان: ص ۴۰).

۹- آثار منظوم فیض کاشانی براساس نسخه‌شناسی

۹-۱: **آثار مفقود:** آثاری است که فیض کاشانی در دو فهرست اصلی خود نام برده و بیان داشته که این آثار را به رشته تحریر درآورده است، اما هم اکنون ما هیچ کدام از این آثار را در دست نداریم. ممکن است این نسخه‌ها بر اثر گذشت زمان از بین رفته باشد و تنها نامی از آنها باقی مانده است و یا این نسخه‌ها را بتوان در کتابخانه‌های سایر کشورها یافت. نظیر: سلسبیل، شراب ظهور، ندبة العارف، المنتخب الصغیر، المنتخب الکبیر و هفتاد غزل از فیض کاشانی که در مورد توحید سروده است.

۹-۲: **آثار خطی:** شامل نسخه‌های خطی باقی مانده از فیض کاشانی است که به صورت کتابی مستقل چاپ نشده است، اما این نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های ایران یافت می‌شود. نظیر: شوق العشق (ناجی نصرآبادی، همان: ج ۲، ص ۲۰۳)، منتخب دیوان شمس (همان: ص ۲۹۹)، دهرآشوب (همان: ص ۱۸۴) و منشآت (همان: ص ۳۰۱).

۹-۳: **آثار چاپی:** سومین گروه، آثار منظومی از فیض کاشانی است که به چاپ رسیده و می‌توان در مورد این کتابها و رساله‌ها اطلاعاتی بیشتر را بیان نمود. نظیر آب زلال، گلزار قدس، شوق المهدی، منشآت و کلیات فیض.

۱۰- تأثیر آیات قرآن کریم و روایات بر دیوان اشعار فیض کاشانی

حال در این جا به بررسی اشعار دیوان فیض کاشانی می‌پردازیم تا انواع بهره‌گیریهای او را از قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

۱-۱۰: اثرپذیری واژگانی

در این شیوه اثرپذیری، شاعر از واژه‌ها و ترکیبیهایی در شعر خویش بهره می‌جوید که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از آیات قرآن کریم و روایات وام گرفته است. این اثرپذیری خود به سه شیوه وام‌گیری، ترجمه و برآیندسازی تقسیم می‌شود:

الف) وام‌گیری: در این شیوه واژه یا ترکیبی قرآنی و حدیثی با همان ساختار عربی خود، بی هیچ دگرگونی، یا با اندک دگرگونی لفظی یا معنوی بی آنکه ساختار عربی آن آسیبی ببیند به زبان و ادب فارسی راه می‌یابد. نظیر:

کش کشانش از ره سجین بعلیین رسان وصل کن با عروه و وثقای خود چنگال فیض

(فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش:ص ۱۵۹)

مصرع نخست: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينُ» (مطففین / ۷ و ۸). «نه چنین است [که می‌پندارند]، که کارنامه بدکاران در «سجین» است. و تو چه دانی که «سجین» چیست؟»

مصرع دوم: «... بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا...» (بقره / ۲۵۶). «و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است.»
«... فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان / ۲۲). «قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ درزده، و فرجام کارها به سوی خدا است.»

در این دو مصرع کلمات مشخص شده، دقیقاً برگرفته از آیات قرآن هستند.

گر لذتی از نماز داری شاید که عبادتش شماری
آن مهتر و بهترین کونین آن را گفته است قرّة العین

(همان:ص ۲۱)

در این بیت، کلمه «قرّة العین» دقیقاً از این حدیث گرفته شده است: «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: الطَّيِّبُ وَالنِّسَاءُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ» (صدوق، ۱۴۰۳ق:ص ۱۶۵). پیامبر خدا (ص): «من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: بوی خوش و زن؛ و روشنی چشم من در نماز است.»

(ب) ترجمه: در این شیوه، شاعر از فارسی شده واژه یا ترکیبی قرآنی بهره می‌گیرد. نظیر:

بر سعادت نه بنای سرنوشتش یک به یک از ره اثبات و محو آباد کن آزال فیض

(همان:ص ۱۵۹)

«يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد / ۳۹). «خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند و اصل کتاب نزد او است.»

واژه های «محو» و «اثبات» ترجمه‌ای از «یمحو» و «یثبت» قرآن می‌باشد.

ای جان جهان راه بسویت بردم ای گنج نهان راه به‌سویت بردم
از خویش نشان بی نشانی دادی آخر به نشان راه به‌سویت بردم

(همان:ص ۴۵۴)

جان مرا جان تویی، لعل مرا کان تویی

در دل ویران تویی، گنج نهانی مرا

(همان: ص ۴۷۵)

قوت روان من تویی، گنج نهان من تویی

جان و جهان من تویی دست من است و دامت

(همان: ص ۶۱۶)

«گنج نهان»، ترجمه شده کلمه «کنزاً مخفیاً» در این روایت است: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِيّاً فَأَحْبَبْتُ أَنْ أُعْرِفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرِفَ» (مجلسی، بی تا: ج ۲، ص ۷۱۰ / احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ص ۵۵). گنجی پنهان بودم پس دوست داشتم که شناخته شوم، پس موجودات را آفریدم تا که شناخته شوم. (ج) برآیندسازی: در این شیوه واژه یا ترکیبی بی آنکه خود به صورت واژه یا ترکیب در قرآن آمده باشد، بر پایه مضمون آیه‌ای از قرآن یا داستانی قرآنی ساخته می‌شود. نظیر:

ظاهرش موسوی است بیضاء ید

بـاطن او ولیـد ذوالاوتـاد

(همان: ص ۲۷۰)

گاهش ید بیضاء دهد، در تیه گاهش جا دهد

گاهش بمن سلوی دهد، ما العشق الا معجزه

(همان: ص ۳۸۴)

«وَاضْمُمُ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٌ أُخْرَى» (طه / ۲۲). «و دست خود را به پهلویت ببر، سپید بی گزند برمی آید، [این] معجزه‌ای دیگر است.»

«وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ...» (نمل / ۱۲). «و دستت را در گریبانست

کن تا سپید بی عیب بیرون آید.»

«اسْأَلْكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ...» (قصص / ۳۲). «دست خود را به گریبانست

ببر تا سپید بی گزند بیرون بیاید.»

کلمه «ید بیضاء» به این شکل در قرآن نیامده است، بلکه مفهوم آیات بالا به طور کلی این واژه

را می‌رساند.

۱۰-۲: اثرپذیری گزاره‌ای

اثرپذیری گزاره‌ای، خود به دو گونه تقسیم می‌شود: اقتباس و تضمین؛ حل و تحلیل.

الف) اقتباس و تضمین: در این شیوه، شاعر، عین عبارت آیه قرآن را به همان شکل عربی بدون

هیچ گونه تغییر و دگرگونی در شعر خویش می‌آورد.

از بهر فساد و جنگ جمعی مردم
 در مدرسه هر علم که آموخته‌اند
 کردند به کوی گمراهی خود را گم
 «فی القبر یضُرُّهم ولا ینفَعهم»
 (همان: ص ۲۰۳)

«... وَیَتَعَلَّمُونَ مَا یَضُرُّهُمْ وَلَا ینْفَعُهُمْ...» (بقره / ۱۰۲). «و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان
 زیان داشت و سودی بدیشان نمی‌رسانید.»

در مصرع چهارم، عبارت « یَضُرُّهُمْ وَلَا ینْفَعُهُمْ » دقیقاً برگرفته از آیه قرآن است.
 یا رب به علی شه «سَلُونی»
 آن واقف سرّ زملونی
 (همان: ص ۲۱۳)

النبی (ص): «... فرعبت منه فرجعت فقلت زملونی زملونی فانزل الله تعالی (یا ایها المدثر قم
 فأنذر) إلى قوله (والرجز فاهجر)». (بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ص ۴-۲).
 الامام علی علیه السلام - فی خطبته لما بُوع بالخلافة - «یا معشر الناس، سلونی قبل أن تَفْقِدُونی،
 سلونی فإنّ عندی علم الأوّلین والآخِرین...» (ابن قولویه، ۱۴۱۷ق: ص ۱۵۵ / صدوق، ۱۴۱۷ق: ص
 ۱۹۶) امام علی (ع):- در خطبه‌ای، پس از آن که مردم با او به عنوان خلیفه بیعت کردند- فرمود: «
 ای مردم! پیش از آن که مرا از دست دهید از من بپرسید. از من سؤال کنید؛ زیرا دانش اوّلین و
 آخرین نزد من است.»

ب) حلّ و تحلیل: در این شیوه، شاعر برای استفاده از آیه قرآن در شعر خود، ناگزیر است در
 آن تغییراتی ایجاد کند به طوری که ساختار آن دستخوش دگرگونی خواهد شد تا حدی که با وزن
 و قافیه مورد نظر شاعر، متناسب گردد. نظیر:

تا شما را دوست دارد، ذوالمنن
 تا شما باشید یاران خدا
 آن «تَحَبَّوْا فَاتَّبِعُوا» را خوانده‌ای
 سوی «یحیبکم» بگیر این راه را
 (همان: ص ۲۴۴)

«قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران /
 ۳۱). «بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را
 بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

در این بیت شاعر، سه واژه «تَحِبُّوا فَاتَّبِعُوا» و «يُحِبُّكُمْ» را از آیه‌ی قرآن آورده تا بیانگر کل آیه باشد.

۱۰-۳: اثرپذیری گزارشی

در این شیوه، شاعر محتوای آیه قرآن را به دو گونه ترجمه یا تفسیر به فارسی در شعر خویش گزارش می‌کند. گاه شاعر به گونه نقل قول و با ذکر نام گوینده و گاه بدون نقل قول و بدون ذکر نام گوینده و با گزارشی از زبان خود، آن آیه را در شعر خویش به کار می‌گیرد. الف) ترجمه: گاه این ترجمه، بسته (تحت اللفظی) و گاه ترجمه آزاد و باز است.

خدای داند و بس جز خدا کسی بنداند که گر گله‌ای وا کنم چها بنویسم

(همان: ص ۱۵۵)

« وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا يُعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ » (انعام / ۵۹). «و کلیدهای غیب، تنها نزد او است. جز او [کسی] آن را نمی‌داند، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است.»

در مصرع نخست، فیض کاشانی علم بر همه چیز را در خداوند منحصر ساخته و این گستره دانایی خداوند را در جمله تأکیدی بعدی تکرار می‌نماید؛ که به جز خداوند، کس دیگر از این علم و دانش بهره‌ای ندارد.

هردمی از عمر را معمور دار از طاعتی تا به غفلت نگذرد ایام و ماه و سال فیض

(همان: ص ۱۵۸)

فیض کاشانی با توجه به سخن پیامبر (ص) بیان می‌دارد که هر لحظه از عمر باید با عبادت و کار نیک آباد گردد تا باعث پشیمانی نگردد. رسول الله صلی الله علیه وآله: «یا ابا ذر، هُم بِالْحَسَنَةِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا؛ لِكَيْلَا تُكْتَبَ مِنَ الْغَافِلِينَ.» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ص ۵۳۶) پیامبر خدا (ص): «ای اباذر! آهنگ کار نیک کن، هرچند آن را به کار نبندی تا در زمره غافلان نوشته نشوی.»

ب) تفسیر: در این شیوه، آیه قرآن یا مایه و مضمون آن، توسط شاعر در ابیات گوناگون، شرح و بسط پیدا می‌کند.

نهی از خوردن درخت ممنوع

کندر بهشت باش تو و زوجه هردوتا	پس از جناب قدس رسیدش بشارتی
بی حَرّ و بی برودت و بی جوع و بی ظما	ساکن شوید فارغ و آزاد، در بهشت
جز این درختِ بارور، جمله میوه‌ها	لذاتِ طیباتِ جنان بر شما حلال
خود را می‌فکنید ازین نهی در بلا...	این بر شما حرام شد و غیر این حلال
حَدّ تو نیست منزلت سید السوری...	نزدیک آن درخت مرو، آرزو مکن

(همان:ص ۲۴۰-۲۳۷)

« فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ » (بقره / ۳۶). « پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد و فرمودیم: فرود آید، شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخوردار می‌شوید. »

در این ابیات، فیض کاشانی رانده شدن آدم و حوا از بهشت را به طور گسترده و کامل بیان می‌کند و چون موضوع بسیار مهم بوده، تنها به آوردن یک بیت شعر اکتفا نمی‌نماید.

اول کسی که جلوه نمود از حجاب غیب	بگشود بر رُخش در ایجاد را خدا
قفل از خزانه بنامش گشوده شد	گردید جلوه‌گر ز سرپرده خدا
نور محمد و علی و اهل بیت بود	در کار آفرینش از ایشان شد ابتدا
آن چهارده ولیّ مسمی بهفت اسم	سبع المثانی که ز قرآن نشد جدا

(همان:ص ۲۳۱)

هماره آفرینش اولین موجودات، برای انسان مسأله بوده و هر شخصی به گونه‌ای به این سؤال پاسخ داده است. در نظر فیض کاشانی (برطبق احادیث) اولین موجودات خلق شده، ارواح طیبه پیامبر اکرم (ص) و امامان (ع) می‌باشد.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: « أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي » (احسائی، ۱۴۰۵ق:ج ۴، ص ۹۹) پیامبر خدا (ص): « نخستین چیزی که خدا بیافرید، نور من بود. »

رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا، فَأَنْطَقَهَا بِتَوْحِيدِهِ وَتَمَجِيدِهِ، ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ» (صدوق، ۱۴۰۴ق:ج ۱، ص ۲۳۷).

پیامبر خدا (ص): «نخستین موجودی که خداوند بیافرید، ارواح ما بود، و آن گاه آنها را به توحید و تمجید خود گویا کرد، سپس فرشتگان را خلق فرمود.»

۱۰-۴ اثرپذیری الهامی - بنیادی

در این شیوه، شاعر بدون ذکر آیه قرآن به صورت غیر مستقیم، از محتوای آیه و روایت الهام می‌گیرد و شعر خود را بر پایه آن الهام، بنا می‌نهد به صورتی که آشنایان به آن حدیث یا آیه، هنگامی که شعر او را می‌خوانند متوجه می‌شوند که او از فلان آیه در شعر خویش الهام گرفته است. نظیر:

حال او دور است از قالش، خدا می‌داند این هست فرسخها میان حال فیض و قال فیض
(همان: ص ۱۵۸)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف / ۲). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟»

در این بیت فیض کاشانی تذکری به خود می‌دهد که چرا بین حال و قالش تفاوت وجود دارد و مصداق بارز آیه قرآن گردیده است.

تجلی کرده در هر ذره‌ای خورشید رخسارش چرا محو نگاه یاسمین و نسترن، کردم
(همان: ص ۱۸۲)

تجلی خداوند در هر موجودی دیده می‌شود و اگر هدف یافتن خداوند باشد، این یافتن، تنها به موجودات اندکی محدود نمی‌گردد.

الإمامُ الكاظمُ (ع) - في معنى «الله»: «سْتَوَلَى عَلَيَّ مَا دَقَّ وَجَلَّ». (كلینی، ۱۳۶۳ش:ج ۱، ص ۱۱۵-۱۱۴). «امام کاظم (ع) - در معنای الله: - بر هر چیز کوچک و بزرگ، چیره است.»

۱۰-۵: اثرپذیری تلمیحی

در این شیوه، شاعر مانند اثرپذیری الهامی _ بنیادی، با الهام از آیات قرآن کریم و وریات، شعری را می‌سراید، اما با آوردن نشانه و اشاره‌ای در شعر خویش، به گونه‌ای که خواننده متوجه شود، او را از الهام‌گیری خود آگاه می‌سازد.

تویی وصل و تویی هجران، تویی منع و تویی احسان

تویی کفر و تویی ایمان، تو ابراهیم و تو آذر

(همان: ص ۲۹۷)

« وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأْتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ » (انعام / ۷۴). «و

[یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود «آزر» گفت: «آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.»

این مصرع تلمیحی به حضرت ابراهیم (ع) و آذر دارد که این دو در دین‌داری در مقابل هم قرار گرفتند. هم‌چنان که وصل و هجران، منع و احسان و کفر و ایمان در مقابل هم قرار گرفته‌اند.

یارب به علوم باقریه حَقَّ اعْرَازَ صَادِقِيه

(همان: ص ۲۱۴)

در مصرع نخست، فیض کاشانی اشاره‌ای به علم و دانش امام باقر (ع) دارد که با بقیه امامان (ع)

متفاوت بودند.

رسول الله صلى الله عليه وآله - لجابر بن عبد الله الانصاري - «إِنَّكَ سَتُدْرِكُ رَجُلًا مِّنِّي، اسْمُهُ اسْمِي وَسَمَائِلُهُ سَمَائِلِي يَبْقَرُ الْعِلْمَ بَقْرًا.» (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۴۶۹). پیامبر خدا (ص) - خطاب به جابر بن عبدالله انصاری - فرمودند: «به زودی تو مردی از (خاندان) من را درک می‌کنی (می‌بینی)، نام او همان‌نام من و شمائل او شمائل من است، او علم را می‌شکافد.»

۱۰-۶: اثرپذیری تأویلی

در این شیوه، شاعر از ظاهر آیه دست می‌شوید و به باطن آیه می‌پردازد. به جای آن که از تفسیر آیات در شعر خویش بهره جوید از تأویل آن استفاده می‌کند. به دیگر سخن، از ظاهر آیه به باطن آن راه می‌یابد.

بیا بیا ز سخنهای فیض، فیض بپر که هرچه گفت و نوشت او ز کردگار گرفت
(همان:ص:۱۸۹)

« قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ... » (انعام / ۵۰). بگو: «به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نیز نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می شود، پیروی نمی کنم.»
در قرآن کریم، خداوند می فرماید: «ای رسول بگو آن چه که من می گویم از نزد پروردگار من است و خداوند به من وحی می نماید و از نزد خود چیزی نمی گویم.» فیض کاشانی سخنان خود را نیز به سخنان پیامبر تأویل نموده و می گوید: آن چه که من می گویم همه از نزد خداوند است و سخنی از فکر و اندیشه ی خودم نیست.

یک نفس بی یاد جانان بر نمی آید مرا ساعتی بی شور و مستی بر نمی آید مرا
(همان:ص:۵۰۴)

« إِنَّكَ أَنْسُ الْإِنْسِينَ بِأَوْلِيَائِكَ وَأَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ » (دستی، ۱۳۶۹ش: ص ۱۴۰ / خطبه ۲۲۷). امام علی (ع): «پروردگارا! تو برای دوستانت مأنوس ترین مونسهایی، و برای توکل کنندگان بهترین برطرف کننده مشکلاتی.»
در این بیت، اگر منظور از جانان را خداوند بدانیم، پس خداوند به جانان تأویل شده است و در خطبه حضرت علی (ع) نیز خداوند به مأنوس ترین مونسها تعبیر شده است.

۱۰-۷: اثرپذیری تطبیقی

در این شیوه که به اثرپذیری تأویلی نزدیک است، شاعر آیه ای از قرآن را بر موردی ویژه که به ظاهر چندان با هم پیوندی ندارند، تطبیق می دهد، بی آنکه معنی ظاهری و اصلی آن را نقد و رد یا تأویل و توجیه کند. از این روی می توان تشبیه و تمثیلهایی را که «مشبه به» آنها قرآنی یا روایی است، اثرپذیری تطبیقی خواند (راستگو، ۱۳۸۷ش: ص ۵۹).

در آب مزاج زنجبیل است گویی از عین سلسبیل است
(همان:ص:۲۲۱)

«عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا» (انسان / ۱۸). «از چشمه ای در آنجا که «سلسبیل» نامیده می شود.»

در این بیت آب رودهای مازندران به چشمه‌های بهشتی تشبیه شده است.

از اکت حبیسم و ز شعیه حیبش این است اعتصام یوم الورد ما را

(همان: ص ۲۲۸)

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فِي خُطْبَةٍ «أَنَا الْهَادِي وَأَنَا الْمُهْتَدِي وَأَنَا أَبُو الْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَزَوْجُ الْأَرَامِلِ وَأَنَا مَلْجَأُ كُلِّ ضَعِيفٍ وَمَأْمَنُ كُلِّ خَائِفٍ وَأَنَا قَائِدُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى الْجَنَّةِ وَأَنَا حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَأَنَا عُرْوَةُ اللَّهِ الْوُثْقَى» (صدوق، بی تا: ص ۱۶۴-۱۶۵) حضرت علی (ع): «من راهنما هستم. من پدر یتیمان و مساکین هستم. من پناهگاه هر ضعیف و هر ترسنده و راهنمای مؤمنان به سوی بهشت و ریسمان خداوند و عروة الوثقی هستم.»

در این بیت، شیعه بودن به ریسمانی الهی تشبیه شده است.

۱۰-۸: اثرپذیری ساختاری - سبکی

در این گونه، سراینده، ساختاری قرآنی یا روایی را چونان نمونه و سرمشقی پیش چشم می‌گیرد و سخن خویش را در ساخت و بافتی می‌پردازد که با آن هم‌خوان و هم‌سان باشد. در برخی از آیات قرآن، مشرکان به تمسخر گرفته می‌شوند و آبهای جهنمی، همچون شرابی خوش‌گوار برای آنان آماده شده است. این نمونه در شعر فیض کاشانی نیز دیده می‌شود.

دوزخ آماده است بفرماید ان رَبِّكَ عَلِيكَ بِالْمَرْصَادِ

(همان: ص ۲۷۱)

«فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه/۳). «و کافران را به عذابی دردآور بشارت ده.»

در مصرع نخست، فیض کاشانی از لفظ «فرماید» که محترمانه است برای به سخره گرفتن مشرکان استفاده نموده است.

۱۰-۹: اثرپذیری چندسویه

اینک پس از بازنمایی شیوه‌های گوناگون اثرپذیری، این یادآوری به‌جا است که این شیوه‌ها ناسازگار و به اصطلاح مانعة‌الجمع^۵ نیستند و چه بسا پاره‌ای از آنها با یکدیگر در یک نمونه جمع گردند، در این صورت می‌توان گفت این گونه نمونه‌ها، اثرپذیری چندسویه دارند (راستگو، همان: ص ۸۷).

تن گرچه ز خاک آفریدی جان را خود، پاک آفریدی
(همان:ص:۲۱۳)

مصرع اول: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ...» (انعام / ۲). «او است کسی که شما را از گِل آفرید.»
«إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص / ۷۱). «آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از گِل خواهم آفرید.»

مصرع دوم: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص / ۷۲). «پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان برای او [به خاک] بیفتید.»
مصرع اول اثرپذیری گزارشی (ترجمه) و مصرع دوم اثرپذیری الهامی - بنیادی دارد.
هریک از اخوان غزل گفته است در اجلال فیض عکس خود دیده است در آینه احوال فیض
(همان:ص:۱۵۷)

مصرع اول: «الإمامُ الباقرُ عليه السلام: المؤمنُ أخو المؤمنِ لأبيهِ وأُمِّهِ» (کلینی، همان: ج ۲، ص ۱۶۶) «امام باقر (ع): مؤمن برادر تنی مؤمن است.»
«قَوْلِ النَّبِيِّ (ص) الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق:ج ۷۱، ص ۲۶۸). «پیامبر خدا (ص) مؤمن آینه برادر مؤمن خویش است.»

در مصرع اول اثرپذیری الهامی - بنیادی و در مصرع دوم اثرپذیری گزارشی (ترجمه) وجود دارد.

نتیجه‌گیری

دوره‌های مختلف زندگی فیض کاشانی از جمله تولد او در خانواده‌ای فقیه، دانشمند، اهل علم و ادب و پس از آن آشنایی‌اش با مآصدرای شیرازی و همچنین قرار گرفتن ایشان در سده یازدهم که دوره غلبه تشیع در ایران است، باعث شده تا شخصیت فیض، یک شخصیت چند جانبه گردد. در نتیجه می‌توان از زوایای گوناگون آثار ایشان را مورد بررسی قرار داد.

از آن جا که فیض کاشانی، در درجه نخست مفسر و محدث بوده؛ اشعارش رنگ و بوی قرآنی و حدیثی یافته و در تک تک مصرعها و ابیات شعری او، می‌توان اثراتی از قرآن و حدیث را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم یافت و کمتر شعری است که از اثرپذیری قرآنی و روایی بی‌نصیب مانده باشد. همچنین به شیوه‌های گوناگون از این دو منبع سرشار از معارف ماندگار و حیات‌بخش استفاده کرده است. مهم‌ترین شکل استفاده او، استفاده از ترجمه آیات و احادیث بوده است. شاید بتوان گفت که بهره‌گیری از این شیوه توسط فیض کاشانی در اشعارش، او را به یکی از تأثیرگذارترین افراد نهضت فارسی‌نویسی قرن یازدهم بدل ساخته است. از سوی دیگر، فیض کاشانی در اشعار خویش سعی نموده عبادات و عقاید اسلامی را به سبکی ساده و روان برای عموم مردم تبیین و تبلیغ نماید.

یکی دیگر از کارهای مهم فیض در زمینه احادیث، استفاده او از دعاهای معتبر است. در بین احادیث اخلاقی، بهره‌گیری از احادیث درباره غیبت، تهمت و سوءظن به مسلمین، بیشترین میزان استفاده را در اشعار این شاعر مفسر و محدث به خود اختصاص داده است و این شیوه، طرز تفکر فیض کاشانی را آشکار می‌سازد که در بینش او، اخلاقیات بیشتر از توجه به ظواهر دینی اهمیت داشته و این مهم را با انواع شیوه اثرپذیری ارایه نموده است.

پی‌نوشتها:

۱. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: پاکتچی، ۱۳۸۹ش: ج ۲، ص ۱۱۹-۱۰۵.
۲. اخباری کسی است که فقط به احادیث و خبر تمسک می‌کند. این فرقه از علمای شیعه امامیه به‌طور عمده اخبار اهل بیت (ع) را مأخذ و اساس عقاید و احکام می‌دانند و به سایر مدارک فقط در صورتی که با احادیث ائمه (ع) تأیید شده باشد؛ استناد می‌کنند. (حریری، ۱۳۸۵ش: ص ۱۰).
۳. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: شایان‌فر، ۱۳۹۲ش.
۴. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: انصاری، ۱۳۸۷ش: ص ۴۲-۴۱.
۵. از اقسام قضایای شرطیه منفصله است که اجتماع دو طرف قضیه را محال و ناممکن می‌شمرد؛ در حالی که امتناع آن ممکن می‌باشد. (طوسی، ۱۳۶۳ش: ص ۴۶).

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۶۷ش)، ترجمه عبدالمحمد آیتی، سروش، تهران.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۴۱۷ق)، *کامل الزیارات*، تصحیح جواد قیومی، مؤسسه النشر الإسلامی، قم.
۳. الأحسانی، ابن أبی جمهور (۱۴۰۵ق) *عوالی اللئالی*، تحقیق مجتبی عراقی، سید الشهداء، قم.
۴. بخاری، محمد (۱۴۰۱ق)، *صحیح البخاری*، دار الفکر، بیروت.
۵. برتلس، یوگنی ادوارد ویچ (۱۳۷۶ش)، *تصوف و ادبیات تصوف*، ترجمه سیروس ایزدی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۶. پاکتچی، احمد (۱۳۸۹ش)، *روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث*، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۷. جهانبخش، جویا (۱۳۸۴ش)، *آب زلال، در گنجینه بهارستان، گردآورنده ایمانی*، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
۸. حریری، محمد یوسف (۱۳۸۵ش)، *فرهنگ اصطلاحات حدیث*، دار الحدیث، قم.
۹. راستگو، سیدمحمد (۱۳۸۷ش)، *تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی*، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۱۰. راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹ش)، *پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۱. رحیمی، مرتضی (۱۳۹۲ش)، «اعتدال فیض کاشانی در اخباری‌گری» در کتاب *فیض پژوهی*، ص ۳۹۳-۴۱۹، خانه کتاب، تهران.
۱۲. سید رضی (۱۳۶۹ش)، *نهج البلاغه*، تصحیح محمد دشتی، ترجمه محمدرضا آشتیانی، نشر امام علی (ع)، قم.
۱۳. شایان فر، شهناز (۱۳۹۲ش)، *فیض پژوهی*، خانه کتاب، تهران.
۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۰ش)، *فرهنگ عروضی*، فردوس - مجید، تهران.

۱۵. صدوق، محمد (۱۴۱۷ق)، *الأمالی*، مؤسسة البعثة، قم.
۱۶. _____، (بی تا)، التوحید، تصحیح و تعلیق سید هاشم حسینی طهرانی، مؤسسة النشر الإسلامی، قم.
۱۷. _____، (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، تصحیح و تعلیق علی أكبر غفاری، مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم.
۱۸. _____، (۱۴۰۴ق) *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح و تعلیق و تقدیم حسین الأعلمی، مؤسسة الأعلمی، بیروت.
۱۹. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۲ش)، *تاریخ ادبیات در ایران*، انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
۲۰. طوسی، محمد (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، مؤسسة البعثة، قم.
۲۱. طوسی، نصیر الدین (۱۳۶۳ش)، *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*، شرح و توضیح حلی، بیدار، قم.
۲۲. عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۸۷ش)، *مجموعه کبیر: نهج النصاحة، نهج البلاغة، صحیفه سجادیة و صحیفه مهدیه*، نشر آفرینه، قم.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۷۳ش)، *دیوان کامل همراه با رساله گلزار قدس*، نشر چکامه، تهران.
۲۴. _____، (۱۳۸۱ش)، *دیوان اشعار*، تصحیح و شرح مصطفی فیضی کاشانی، انتشارات اسوه، تهران.
۲۵. _____، (۱۳۸۷ش)، *الرسائل الفقهیة*، تصحیح و تحقیق سید ابوالقاسم نقیبی، مدرسه عالی شهید مطهری، تهران.
۲۶. قمی، عباس (۱۳۸۱ش)، *مفاتیح الجنان*، نشر افق، قم.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی أكبر غفاری، دارالکتب الاسلامیة، تهران.

۲۸. مجلسی، محمد تقی (بی تا)، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، تعلیق سید حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، بنیاد فرهنگ اسلامی، تهران.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷ش)، *میزان الحکمه*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۳۱. مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۷۴ش)، *ریحانه الادب*، خیام، تهران.
۳۲. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۸ش)، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه (کلیات و کتابشناسی)*، مترجم محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.
۳۳. موسوی خوانساری، محمد باقر (۱۴۱۱ق)، *روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات*، دار الاسلامیه، بیروت.
۳۴. ناجی نصرآبادی، محسن و تقی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۷ش)، *فیض نامه*، انتشارات مدرسه عالی شهید مطهری، تهران.
۳۵. ناجی نصرآبادی، محسن (۱۳۸۷ش)، *کتابشناسی فیض کاشانی*، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی و مدرسه عالی شهید مطهری، مشهد.